



چیزی که دین را محو و نابود می کند فساد و اختلاف است/ مبدا دیگران در عمل به قرآن از شما پیشی بگیرند

امام علی(ع) در آخرین لحظات زندگی در وصیت می کنند: همه با هم به ریسمان خدا چنگ بزنید و براساس ایمان به خدا متحد باشید و از هم جدا نشوید، همانا از پیغمبر خدا(ص) شنیدم که می فرمود: اصلاح میان مردم از نماز و روزه دائم افضل است و چیزی که دین را محو و نابود می کند فساد و اختلاف است.

امام علی(ع) در آخرین لحظات زندگی در وصیت می کنند: همه با هم به ریسمان خدا چنگ بزنید و براساس ایمان به خدا متحد باشید و از هم جدا نشوید، همانا از پیغمبر خدا(ص) شنیدم که می فرمود: اصلاح میان مردم از نماز و روزه دائم افضل است و چیزی که دین را محو و نابود می کند فساد و اختلاف است.
امیر المؤمنین(ع) در آخرین لحظات زندگی، وصیتی کرد که برای همیشه تاریخ برای بشریت درس خوب زیستن است، البته وصیت های حضرت، دو جنبه خصوصی و عمومی داشت که در ذیل به آنها اشاره می کنیم.

وصایای خصوصی

الف: نخست این که در تجهیز و کفن و دفن بدنش امام حسن(ع) را وصی و جانشین خود قرار داد و به همه فرزندان دیگر از حضرت حسین(ع) و محمد و عون و جعفر و عبدالله و عباس و... دستور داد که از او اطاعت کنند و پس از او برادرش را واجب اطاعة قرار دهند که همه به فرمان او باشند، البته این وصیت جنبه عمومی هم دارد که همه مسلمانان موظف بودند که از امام حسن(ع) و پس از او از امام حسین(ع) اطاعت کنند و آن دو را در زمان هر کدامشان امام و حجت خدا بدانند.

ب: دیگر اینکه سفارش کرد ایمان خود را حفظ کنند و از احکام اسلام مراقبت نمایند و تقوا و فضیلت را شعار خود قرار دهند.

ج: در مورد چگونگی غسل و کفن و نماز و تدفین به آنها سفارش کرد تا شبانه این کار انجام شود.

د: فرزندان خود، مخصوصاً امام حسن و امام حسین(ع) را به صبر و تحمل مصائبی که در پیش خواهند داشت سفارش کرد.

وصایای عمومی

وصایای عمومی حضرت، متعدد و مختلف نقل شده است در این جا یکی از آنها را که در اکثر کتابهای حدیثی علمای شیعه و سنی آمده است می آوریم:

ای پسر من حسن! تو و همه فرزندان و اهل بیت و هر کس را که این نامه به او برسد به امور زیر توصیه و سفارش می کنم:

1 - هرگز تقوای الهی را از یاد نبرید، کوشش کنید تا دم مرگ بر دین خدا باقی بمانید.

2 - همه با هم به ریسمان خدا چنگ بزنید و براساس ایمان به خدا متحد باشید و از هم جدا نشوید، همانا از پیغمبر خدا(ص) شنیدم که می فرمود: اصلاح میان مردم از نماز و روزه دائم افضل است و چیزی که دین را محو و نابود می کند فساد و اختلاف است. و لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

3 - «ارحام و خویشاوندان» را از یاد نبرید، صله رحم کنید که صله رحم حساب انسان را نزد خدا آسان می کند.

4 - خدا را، خدا را! درباره «یتیمان»، مبدا گرسنه و بی سرپرست بمانند.

5 - خدا را، خدا را! درباره «همسایگان» خوش رفتاری کنید، پیغمبر آن قدر در مورد همسایه سفارش کرد که ما گمان کردیم می خواهد آنها را در ارث شریک کند.

6 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «قرآن»، نکند دیگران در عمل به قرآن بر شما پیشی گیرند!

7 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «نماز» چرا که نماز ستون دین شماس.

8 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «کعبه» خانه پروردگارتان، مبدا حج تعطیل شود که اگر کعبه خالی بماند و حج متروک شود مهلت داده نخواهید شد و مغلوب دشمنان خواهید شد.

9 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره ماه «رمضان» که روزه آن ماه سپری است برای آتش جهنم.

10 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «جهاد در راه خدا» از مال و جان خود در این راه کوتاهی نکنید.

11 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «زکات مال» که زکات، آتش خشم الهی را خاموش می کند.

12 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «امت پیامبرتان» مبدا مورد ستم قرار گیرند.

13 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «صحابه و یاران پیغمبرتان» زیرا رسول خدا درباره آنان سفارش کرده است.

14 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «فقر و تهیدستان» آنها را در زندگی خود شریک کنید.

15 - از خدا بترسید، از خدا بترسید! درباره «بردگان و کنیزان» که آخرین سفارش پیامبر(ص) درباره اینها بود.

علی(ع) مجدداً سفارش نماز را کرد و فرمود: کاری که رضای خدا در آن است در انجام آن بکوشید.

16 - با مردم به خوشی و نیکی رفتار کنید همان طوری که قرآن دستور داده است و به ملامت مردم ترتیب اثر ندهید.

17 - امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، نتیجه ترک آن این است که بدان و ناپاکان بر شما مسلط خواهند شد و به شما ستم خواهند کرد، آن گاه هر چه نیکان شما دعا کنند دعای آن ها مستجاب نخواهد شد.

18 - بر شما باد که بر روابط دوستانه میان خود بیافزایید، به یکدیگر نیکی کنید از کناره گیری از یکدیگر و قطع ارتباط و تفرقه و تشتت بپرهیزید.

19 - کارهای خیر را به مدد یکدیگر و اجتماعاً انجام دهید و از همکاری در مورد گناهان و چیزهایی که موجب کدورت و دشمنی می شود بپرهیزید: «تعاونوا علی البرّ و التقوی.....»

20 - از خدا بترسید که کیفر خدا شدید است: «واتقوا الله إنّ الله شدید العقاب.»

خداوند نگهدار شما خاندان باشد و حقوق پیغمبرش را در حق شما حفظ فرماید، اکنون با شما وداع می کنم و شما را به خدای بزرگ می سپارم و سلام و رحمتش را بر شما می خوانم.

در آخر این وصیت در کافی آمده است که پس از پایان وصیت حضرت پیوسته می گفت: «لا إله إلا الله» تا وقتی که روح مقدسش به ملکوت اعلی پیوست.

در نهج البلاغه است که در پایان وصیت، امام(ع) فرزندان خود را مخاطب ساخت و به آنها فرمود: «یا بنی عبد المطلب لا یلیفیکم تحوّلون دماء المسلمین خوفاً تقولون: قتل امیر المؤمنین! ألا لا یقتلنّ بی إلا قاتلی، انظروا إذا أنا مت من ضربته هذه فاضربوه ضربته، لا یمثل بالرجل فإتی سمعت رسول الله(ص) یقول: إیاکم والمثله و لو بالکلب العقور: ای فرزندان عبدالمطلب! نیابم شما را که در خون مسلمانان فرو روید و دست به کشتار بزنید به بهانه اینکه بگویید امیرالمؤمنین کشته شده و بدانید که در برابر من جز کشنده من کسی نباید کشته شود، نگاه کنید چون من از ضربت او از دنیا رفتم به او یک ضربت بزنید و او را مثله نکنید که من از رسول خدا شنیدم که می فرمود: «از مثله کردن بپرهیزید اگر چه به سگ گزنده و هار باشد»

وصیت امام(ع) درباره کیفیت غسل و کفن و دفن

محمد بن حنفیه روایت کرده است: شب بیست و یکم ماه رمضان رسید و شب تاریک شد علی(ع) همه فرزندان و اهل بیت خود را جمع کرد و با آنها وداع نمود، سپس به فرزندش امام حسن(ع) فرمود: «خداوند این مصیبت را بر شما نیکو گرداند، همانا من از میان شما می روم و همین امشب به ملاقات خدا خواهم رفت و به حبیبم رسول خدا(ص) همان طوری که وعده ام

داده، ملحق خواهم شد، ای پسر! وقتی من از دنیا رفتم مرا غسل ده و کفن کن و به بقیه حنوط جدت رسول خدا(ص) که از کافور بهشت است و جبرئیل آنرا آورده بود مرا حنوط کن، بعد مرا بر روی سریر گذارید، جلوی تابوت را کسی حمل نکند بلکه دنبال او را بگیرید و بهر جانبی که تابوت رفت شما هم بروید و هر جا که ایستاد بدانید قبر من آنجاست.

جنازه ام را آنجا زمین بگذارید و تو ای پسر بر جنازه ام نماز بگذار، هفت تکبیر بگو و بدان که هفت تکبیر به غیر از من بر هیچ کس مشروع نیست جز بر فرزند برادرت حسین که او قائم آل محمد و مهدی این امت است و او کجیهای خلق را راست خواهد کرد، وقتی تو از نماز بر من فارغ شدی، جنازه را از آن محل بردار و خاک آنجا را حفر کن، قبر کنده و لحدی ساخته و تخت چوبی نوشته شده خواهی یافت که مرا در آنجا دفن می کنی، وقتی خواستی از قبر خارج شوی اندکی صبر کن آنگاه نگاه کن می بینی که من در قبر نیستم، زیرا به جدت رسول خدا ملحق خواهم شد، چون هر پیغمبری را در مشرق به خاک سپارند و وصی او را در مغرب دفن کنند حق تعالی بین روح و جسد آن دو را جمع نماید، و پس از زمانی از هم جدا خواهند شد و به قبرهای خویش برمی گردند، سپس قبر مرا با خاک پر کن و آن محل را از مردم پنهان دار.

آن گاه علی با فرزندان خود اندکی صحبت کرد و آنان را از آینده ای که حسن و حسین دارند آگاه نمود و آنها را به صبر و تقوی دعوت کرد، سپس لختی بیهوش شد چون به هوش آمد فرمود: «اینک رسول خدا، و حمزه عم بزرگوارم و جعفر برادرم نزد من آمدند و گفتند: زود بشتاب که ما مشتاق و منتظر تو هستیم»، پس نگاهی به اهل بیت خود کرد و فرمود: «همه شما را به خدا می سپارم، خداوند همه را به راه راست هدایت و از شر دشمنان محافظت نماید، خدا خلیفه من است بر شما و شما را کافی است برای خلافت و نصرت» سپس به فرشتگان خدا سلام داد و گفت: «لِمَثَلِ هَذَا قُلَيْعَمَلِ الْعَامِلُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ: از برای مثل این مقام باید عمل کنند عمل کنندگان، زیرا که خداوند با پرهیزکاران و نیکوکاران است.»

سپس عرق بر پیشانی مبارکش جاری شد، چشمهای مبارک را بر هم گذاشت، دست و پا به جانب قبله کشید و گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» این را گفت و مرغ روحش به ملکوت اعلی در کنار پیغمبران و اولیاء خدا پرواز کرد، صلوات الله و سلامه و سلام ملائکته و انبیائه و رسله علیه، و لعنة الله علی قاتله.